

«هو الحکیم»

عنوان:

اثرات روح بعد از قبض



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسِرِ الْمُرْتَمِلِ



『@SERATEHAGHI』



موجود تعریفش چیه؟ یا به تعبیری وجود، تعریفش چیه؟ چه چیزی رو ما می‌تونیم بگیم موجود هست؟ موجود در مقابلش معدوم هست دیگه!

وجود هم در مقابلش عدم هست. می‌گن موجود و وجود، حقیقتی هست که دارای اثر باشه؛ منتها اثری به تناسب خودش؛ مثلاً یک آتش دارای اثر هست در خارج؛ لذا موجود هست. یعنی این آتش، حرارت ازش صادر می‌شه، نور ازش صادر می‌شه. حالا آگه آتشی باشه که هیچگونه اثری نداشته باشه، بگن این معدوم هست اصلاً آتش نیست دیگه! حتی چیزی که امر ذهنی باشه، یک آتش ذهنی دارای آثاری‌ست، منتها آثار ذهنی خودش رو داره. درست‌ه اون آتش که شما تصور می‌کنید در ذهنت، ذهنت رو نمی‌سوزونه!

اما تصور آب با آتش کردن می‌بینی متفاوت هست. لذا وقتی شما می‌بینی که تو خاطرات خودت تصور دریا که می‌کنی، یک حسی بهت دست می‌ده! تصور آتش می‌کنی حس دیگه‌ای بهت دست می‌ده!

تصور دشت و دمن می‌کنی حس دیگه‌ای دست می‌ده!



تصور پا کوتل به قول ایشون می کنی يك حس دیگه، حسش  
متفاوت هست!

لذا می گیم موجود هست، در ذهن ماست، آتش ذهنی هم موجود  
هست؛

منتها اثرش به اقتضای خلقت و طبیعت خودش هست. خب  
ایشان (علامه شیخ مجتبی قزوینی) می فرمایند چی؟ «و نیز در  
فلسفه مبرهن هست که تعطیل در وجود محال هست. یعنی  
نشاید که موجودی باشد ولی دارای اثر و فایده نباشد...» اساساً  
هر چیزی که موجودیت داشته باشه، دارای اثر هست، حالا اثر  
چی؟ به اقتضای خلقت و رتبه‌ی خودی که دارد «و نیز بقای روح  
پس از مفارقت از بدن، مسلم است...» یعنی به عنوان يك مسلمان  
یا فیلسوف اسلامی قائل نیست که این روح معدوم می شه، روح  
نابود می شه! این قولی که آتئیست‌ها می گن ماتریالیست‌ها می گن.  
ماتریالیست وقتی نگاه می کنی اصلاً نه تناسخ رو قبول دارن، نه  
معاد رو قبول دارن! می گه این روح و بدن و روح از ویژگی‌های  
همین بدن هست، سیستم و رابطه‌های دقیقی که هست تشکل  
روح رو می ده، روح داری. اگه اختلال در يك نقطه‌ای از بدنت به  
وجود بیاد، کل از کار می افته، می گن روحش گرفته شد!



در صورتی که تمام ارتباطات درستی که این سیستم بدنی با هم داشته باشن رو همدیگه می‌کن روح! روح يك چیزی غیر از بدن نیست که!

لذا جمعی گفتن این خواص فیزیکی و شیمیایی مغز هست. روحی غیر از بدن که حالا بدن، طرف مرد روحش يك جا باشه، قائل به روح نیستن اصلاً! این حرف‌ها رو قبول ندارن اون‌ها که! يك فیلسوف مسلمان، يك مسلمان، يك کسی که دیندار باشه، قبول داره که بالاخره این روح بعد از بدن هست؛

حالا یا قائل به تناسخ هست می‌گه که این روح همین‌طور می‌چرخه؛ یا می‌ره تو عالم برزخ و بعد هم در قیامت و به همین صورت هست. «پس ناگزیر برای روح پس از مفارقت از بدن باید لذائد و آلامی باشد». حالا این روح وقتی که مرد از بدن جدا شد، گفتیم که حالا این که جدا شد، این روح دارای اثر هست یا نه؟ اگه دارای اثر نباشه که موجودیت نداره! خب این‌جا اثراتی که در ارتباط با روحی که با بدن بود، اثراتش چی بود؟ یا خوشحال بود یا ناراحت بود دیگه! شاد بود دیگه!